



«جهنم» مصداقي از رحمت عام خداوند/ پاسخ به شبهه ناسازگاری خلود با عدل الهی

آیت الله جوادی آملی با بیان اینکه مخلدین در نار کسانیاوند که بعد از روشن شدن حق، حقیقت را نپذیرفتند، تأکید کرد: مسلمین مطلقاً و همچنین موحدین؛ آنها که خدا، قیامت، وحی و رسالت را پذیرفتند از هر گروه و ملتی که باشند...

آیت الله جوادی آملی با بیان اینکه مخلدین در نار کسانیاوند که بعد از روشن شدن حق، حقیقت را نپذیرفتند، تأکید کرد: مسلمین مطلقاً و همچنین موحدین؛ آنها که خدا، قیامت، وحی و رسالت را پذیرفتند از هر گروه و ملتی که باشند هر اندازه هم که گناه بکنند مخلد در جهنم نیستند، اینها به برکت آن نورانیته که دارند سرانجام آزاد می شوند.

به گزارش خبرگزاری مهر، آیت الله جوادی آملی در بخشی دیگر از تفسیر آیه 166 و 167 سوره بقره: تَبَرَّأَ الَّذِينَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوْا الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ * وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّا كُنَّا نَدْرِكُهُمْ لَتَرْجِفُنَا بِهِمْ فَتَجِدَنَّا مِنْهُم مِّثْلَ تَبَرَّأُوا مِنَّا كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ، به مسئله خلود تبهکاران در دوزخ اشاره کرده و می گوید: مهم ترین مطلبی که در این آیات کریمه طرح می شود همان مسئله تجسم اعمال و خلود کفار است... کسانیا مبتلا به خلودند که کفر و نفاق برای اینها ملکه شده باشد، هر کسی مخلد در نار نیست (هر جهنمی مخلد در نار نیست)؛ ولی هر بهشتی مخلد در بهشت است.

شبهه ناسازگاری خلود با رحمت الهی/ حقیقی و تکوینی بودن رحمت خدای سبحان

وی در پاسخ به شبهه ناسازگاری خلود با رحمت الهی تصریح می کند: ظواهر قرآن کریم خواه آن آیاتی که خلود را بدون کلمه «ابد» ذکر می کند خواه آیاتی که ابد را هم در کنار کلمه «خلود» ذکر می کند، نشانه آن است که عده ای در جهنم برای ابد می مانند. گاهی ممکن است انسان بگوید این با رحمت خدای سبحان چگونه سازگار است؟ رحمتی که در مسائل عقلی مطرح است و خدای سبحان هم با آن رحمت رحیم است، یک امر عاطفی و انفعالی نیست، یک امر تکوینی و حقیقی است. خدای سبحان فیضی را که اعطا می کند در اثر رحمت است - و همین معنای رحمت است - ؛ یک فیض عام دارد که فراگیر است و یک فیض خاص دارد که مخصوص مؤمنین است.

آیت الله جوادی آملی یادآور می شود: رحمت خدای سبحان یک رحمت عاطفی نیست، یک رحمت تکوینی است اولاً و در مسائل اعتقادی و دینی جای عقل است (نه جای عاطفه)؛ عقل گاهی دستور عاطفه و رأفت می دهد، گاهی هم فرمان قتل می دهد. همان خدایی که ارحم الراحمین است، نوح (ع) وقتی که دعا کرد عرض کرد: رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَيَّ الْأَرْضَ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا خدای سبحان دعای او را مستجاب فرمود طوری که فرمود: فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمَرٍ ؛ از آن طرف آسمان ریزش کرد و از آن طرف هم از تنور آب جوشید: فَالتَقَى الْمَاءُ عَلَيَّ أَمْرٌ قَدَرٌ و همه اینها را هم به دست غرق سپردند.

پاسخ شبهه ناسازگاری خلود با عدل الهی

وی در پاسخ به شبهه ناسازگاری خلود با عدل الهی می گوید: عمده در مسئله خلود این اشکال است که چگونه با عدل الهی سازگار است که کسی در یک مدت محدود هفتاد سال یا صد سال یا دویست سال یا کمتر و بیشتر گناه بکند و برای ابد بسوزد؟ جوابش این است که در مسئله اولی روشن شد که جزا عین عمل است یعنی همان عمل بد به صورت کیفر در می آید (این یک مطلب)، اعمال هم دو قسم اند: یک قسم اعمال جارحه است، یک قسم اعمال جانحه، اعتقاد و قلب؛ اعمال جارحه سال و ماه برمی دارد یعنی می شود گفت فلان شخص هفتاد سال یا صد سال گناه و معصیت کرد و مانند آن؛ ولی اعمال جانحه و قلب تاریخ بر نمی دارد، زیرا یک امر ثابت دائمی خواهد شد، اگر این اعمال زمینه کفر را فراهم نکند، شخص کافر و منافق نباشد، خدا و قیامت را قبول داشته باشد، این انسان هر اندازه هم شقی باشد مخلد نیست؛ بالأخره بعد از احقابی از عذاب نجات پیدا می کند؛ حالا چه اندازه است خدای سبحان می داند تا شفاعت چه گروهی شامل حالش بشود و مانند آن.

صاحب تفسیر تسنیم تأکید می کند: بنابراین مسلمین مطلقاً (آنها که مسلمان اند) و همچنین موحدین؛ آنها که خدا، قیامت، وحی و رسالت (این اصول کلیه) را پذیرفتند و قبول دارند و نور توحید در اینها هست اعتقاد به معاد هست اعتقاد به وحی و رسالت هست، از هر گروهی و از هر ملتی که باشند هر اندازه هم که گناه بکنند مخلد نیستند، اینها به برکت آن نورانیته که دارند سرانجام آزاد می شوند. و آنهایی هم که کافرنند، کفر را [به سبب] محیط به ارث برده اند و یک کافر مستضعف اند (یعنی استضعاف فکری دارند) تبلیغات اسلامی به سراغ آنها نرفته یا درست قدرت تشخیص نداشتند، اینها یا معذب نیستند یا اگر معذب باشند چون مُرْجُونٌ لَأَمْرُ اللَّهِ هستند، اینها هم اهل نجات اند (اینها هم هرگز مخلد نیستند). مخلدین در نار کسانیاوند که به حدی برسند که جَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ یعنی این کافر لجوج که حق برای او روشن شد مع ذلك نپذیرفت، معجزات انبیا را دیدند نپذیرفتند، براهین عقلی برای شان تثبیت شد ولی نپذیرفتند، بعد از روشن شدن حق حقیقت را نپذیرفتند (اهل لجاج و عناد بودند)، به تعبیر قرآن وَتَذَرُ بِهِ قَوْمًا لُدًّا ، اینها جزء انسان أَلْدُ الْخِصَامِ و امثال ذلك بودند که بعد از تمام شدن حجت بالغه حق مع ذلك انکار کردند، اینها هستند که اهل خلودند و مخلد در نار. این گروه که مخلدند چون هیزم جهنم خود این گروه اند، مواد آتش زای جهنم خود این گروه اند، آن وقت فرض ندارد اینها از جهنم بیرون بیایند یا فرض ندارد که ما بگوییم ظاهر آیات این است که خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا یعنی اینها همیشه در آتش هستند خب وقتی آتش از بین رفت اینها هم از بین می روند.

پاسخ به شبهه ابدی نبودن دوزخ

وی در پاسخ به شبهه ابدی نبودن دوزخ یادآور می شود: گاهی انسان ممکن است این چنین بگوید که از آیات قرآن استفاده می شود که کفار ابداً در آتش اند؛ ولی آتش ابدی نیست، آتش بعد از چند قرن خاموش می شود اینها هم از بین می روند. خب اگر کسی عذاب را این چنین خیال کرد که يك سلسله هیزماهایی از خارج می آورند و این هیزماهای افروخته را به صورت جهنم تصویر کرد، بعد يك عده ای را از خارج می آورند در این هیزماهای افروخته قرار می دهند، این ممکن است بیندیشد که بالأخره هیزماها تمام می شود و کفار چون آتش نیست و نار خاموش شد بالأخره اینها عذاب نمی بینند. و با آیات هم منافات ندارد برای اینکه آیات قرآن می گوید تا آتش هست اینها هستند اینها دائماً در آتش اند. خب اگر کسی گفت فلان شخص به حبس ابد در زندان محکوم شد حالا زندان خراب شد و از بین رفت پس دیگر آن شخص عذابی نمی بیند برای اینکه زندان از بین رفت همین طور حالا اگر کفار در آتش اند و آتش ابدی نیست، صادق است که اینها بگویند اینها ابداً در نارند یعنی مادامی که نار هست اینها هستند (اگر نار برطرف شد اینها دیگر نیستند). خب نار چگونه از بین می رود؟

آیت الله جوادی آملی تأکید می کند: خود این شخص هیزم است و خود این شخص هم ماده منفجره است: كَذَابٍ آلْفَرَعُونَ، مسئله خلود مخصوص این گروه است. گرچه جهنم پر می شود: لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ؛ اما شما در جریان ماه مبارك رمضان [یا] در سایر لیالی می بینید که خدای سبحان [مثلاً] هزارها نفر را هنگام افطار آزاد می کند. خب اینها کسانی اند که مخلد در نار نیستند؛ اینها کسانی اند که اعتقاد توحیدی داشتند، به مبدأ و معاد معتقد بودند (آن زیربنای الهی در اینها بود)؛ منتها گرفتار معاصی بودند. اینها البته معذب اند و مرتب یکی پس از دیگری آزاد می شوند؛ اما آل فرعون که خدا اینها را به عنوان وقود نار می داند چگونه؟ در دو جای قرآن فرمود [در] قیامت آن مواد سوخت و سوز و آتش زایش خود انسان است، اگر ماده سوخت و سوزش خود انسان است ماده آتش زایش هم خود انسان است، خب این هر کجا باشد شعله است... ضمن اینکه در قیامت مرگ را می میرانند، مرگ مرده است.

ندامت در قیامت حسرت است/ تبهکاران، هیزم جهنم

آیت الله جوادی آملی تصریح می کند: خب اگر شخص خودش هیزم است (يك)، خودش ماده سوخت و سوز آتش زاست (دو)، خب برای ابد می سوزد و سَرش این است که این تَارُ اللّهِ الْمُوقَدَةُ * الَّتِي تَطْلُعُ عَلَيَّ الْأَقْيَدَةَ را انسان چه کند، اینکه هیزم بیرونی نیست؟ حالا بر فرض کسی در خلود کَلَمًا تَضِجَتْ شك کرد، در خلود تَارُ اللّهِ الْمُوقَدَةُ * الَّتِي تَطْلُعُ عَلَيَّ الْأَقْيَدَةَ چه می کند؟ آنجا هم جای توبه نیست، چون توبه، عمل صالح است و دنیا جای عمل است، آنجا که جای توبه نیست، اگر جای توبه باشد که می شود دار تکلیف. گرچه عذاب را دیدند و پشیمان اند؛ ولی این ندامت برای آنها حسرت است؛ نه ندامتی که انسان را تائب می کند که سرپل رحمت باشد. يك وقت انسان پشیمان می شود این پشیمانی او زمینه توبه را فراهم می کند این مقدمه رحمت است؛ يك وقت يك ندامت آمیخته با حسرت است؛ خدا می فرماید: وَأَسْرُوا التَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ؛ ولی همین گروه اگر از جهنم بیرون بروند باز همان اند که بودند: وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ؛ ما بر فرض هم (بر فرض محال) اینها را از جهنم آزادشان کنیم ببریم دنیا باز همان آل فرعون که بودند هستند. خب اگر کفر رسوخ نکرد، این بعد از احقابی از عذاب مشمول رحمت می شود، این از بحث خلود بیرون است، بحث خلود درباره افرادی مثل آل فرعون است، کسانی که وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ؛ نه آنها که دسترسی نداشتند یا به امید شفاعت یا توبه و مانند آن دست به گناه می زدند.

وی خاطرنشان می کند: آنهایی که به هیچ مبدأ و معادی، به هیچ وحی و رسالتی، بعد از قیام حجت بالغه باز هم سرسپردند اینها را خدا می فرماید اینها هیزم اند: وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا. خب هیزم اگر بخواهد مشتعل بشود يك ماده منفجره می خواهد، ماده منفجره اش چیست؟ وقود جهنم چیست؟ وقود جهنم همان سنگهای بتهاست و همین انسانهای بت ساز و بت فروش، فرمود: كَذَابٍ آلْفَرَعُونَ اینها وقود نارند؛ قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ؛ یا فرمود: فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ [که] یکی در سوره مکی است یکی در سوره مدنی، یکی با الف و لام یکی بدون الف و لام؛ آنکه در مکه نازل شد در اوایل بود هنوز شناخته نشده بود بدون الف و لام است؛ فرمود قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ آنکه در مدینه نازل شد در سوره مبارکه «بقره» هست که بحثش قبلاً گذشت فرمود: فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي النَّارُ رَا بِهَا لَمْ يَذْكُرْ کرد فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ خب اگر حالا وقودش خود فرعون بود این چگونه نجات پیدا کند؟ این هرکجا برود شعله است.

«جهنم» مصداقی از رحمت عام خدای سبحان

وی تأکید می کند: رأفت خدای سبحان يك رأفت عاطفی نیست، لذا وقتی خدای سبحان نعمت خودش را می شمارد و رأفت و رحمت خودش را شماره می کند و از انسان اقرار می گیرد، همانطوری که بهشت و نعمتهای بهشت را بازگو می کند، جهنم و عذابهایی جهنم را هم شماره می کند و از انسان اقرار می گیرد. در همان سوره مبارکه «الرحمن» که نعم الهی یکی پس از دیگری شمرده می شود و از جن و انس اقرار می گیرند؛ هم مسئله بهشت مطرح است، هم مسئله جهنم، در همین سوره مبارکه «الرحمن» این چنین می فرماید: يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شَوَاظٌ مِّن نَّارٍ وَنَحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ * فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ یا هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ * يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ آتٍ * فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ که اینها را به عنوان آلاهی الهی می شمارند. خب جهنم جزء بهترین نعمتهاست، اگر جهنم نبود که عده زیادی دست به تباهی می زدند، عده ای برای اینکه به جهنم نیفتند دست از

رذیلت کشیدند. و اگر عده‌ای تبهکار بودند و ظلم کردند و جهنم نباشد که بر مظلوم عدل روا نداشت! پس همانطوری که بهشت و نعمای بهشت جزء آلاهی الهی است جهنم و عذابهای جهنم هم جزء آلاهی الهی است و خدای سبحان وقتی نعم را در کل تکوین می‌شمارد؛ هم بهشت را به عنوان «آلاء» می‌داند، هم جهنم را به عنوان «آلاء» می‌داند و از جن و انس اقرار می‌گیرد می‌فرماید که **فِيْآيَّ آلَاءٌ رَّبِّكُمْ تَكْذِبَان**.

صاحب تفسیر تسنیم با اشاره به اینکه وجود عذاب نشانه عاطفی نبودن رحمت الهی است، به تبیین رحمت عام و خاص خدای سبحان پرداخته و می‌گوید: ... رحمت خدای سبحان به این معناست که هر موجود را به کمال لایقش می‌رساند این يك رحمت عامه است؛ رحمت خاصه خدای سبحان برای مؤمنین و متقیان است، لذا فرمود: **رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ**. آن رحمت عامه است که فراگیر است، هر جا استعداد هست خدای سبحان به آن استعداد کمال می‌بخشد، هیچ شیئی نیست که از رحمت الهی بیرون باشد (مصادق شیء باشد و مرحوم نباشد) این ممکن نیست و در قبال این رحمت عامه يك رحمت خاصه است که مخصوص اهل تقوا و اهل ایمان است.

وی با اشاره به سوره الرحمن، «جهنم» را مصداقی از رحمت عام خدای سبحان توصیف کرده و می‌افزاید: سوره مبارکه «الرحمن» وقتی آلاهی الهی را می‌شمارد و اقرار می‌گیرد، جهنم را هم مثل بهشت «آلاء» می‌داند؛ فرمود: **يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شَوَاظٌ مِّنْ نَّارٍ وَنَحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ * فَيُأَيُّ آلَاءِ رَبِّكُمَا مِثْلَ بَعْثِ الْفُلْكِ بِرَأْسِهِ يُرْسَلُ فِي سَكْبٍ** سوره مبارکه «الرحمن» را گفتند «عروس القرآن» است، برای اینکه نعم الهی را اول از قرآن شروع کرده تا آخرین بخش، هر نعمتی را شروع می‌کند می‌گوید به! عجب عالمی است. خب عالمی که در آن جهنم نباشد عالم ناقصی است. اکثر انسانها از ترس از جهنم است که دست به اعمال طالحه نمی‌زنند. پس آن رحمت خاصه که در بهشت است البته برای مؤمنین است، و رحمت خدای سبحان رحمت عاطفی نیست، لذا به ما فرمود در مسائل دینی در اجرای حدود الهی **لَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ**. و آن رحمتی که به معنای این باشد که هر مستعدی را به کمال لایقش برساند به این معنا خدای سبحان ارحم الراحمین است و رحمت مطلقه دارد و آن رحمت خاصه (چیزی که گوارا باشد و به حال انسان ملایم باشد) مخصوص مؤمنین است؛ آن را فرمود: **فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ**.

وسعت و سبقت رحمت بر غضب الهی

آیت الله جوادی آملی با تأکید بر وسعت و سبقت رحمت بر غضب الهی می‌گوید: ... خدای سبحان عذاب مطلق ندارد، آنچه که در جهان هست رحمت مطلقه است؛ این رحمت مطلقه برنامه تنظیم می‌کند که کجا جهنم باشد کجا بهشت. اینکه فرمود: «سبقت رحمت بر غضب» یعنی غضب را رحمت هدایت می‌کند، هر جا رحمت رفت غضب به دنبال آن می‌رود؛ نه اینکه خط رحمت بیش از خط غضب است. يك رحمت خاصه است در مقابل غضب که البته رحمت بیشتر است، گفتند که بهشت ابواب ثمانیه دارد جهنم ابواب سبعة دارد و از طرفی جهنم جزایی است وفاق و مطابق عمل؛ ولی بهشت پاداشی است بیش از عمل، در مسئله رحمت انسان يك کار خیر بکند ده برابر یا بیش از ده برابر پاداش می‌گیرد؛ ولی جزاء سیئه سیئه مثلاً و امثال ذلك، این نشانه آن است که رحمت خدا بیش از غضب خداست (این يك مطلب)، مطلب دیگر آن است که رحمت خدا سابق بر غضب اوست، یعنی چه؟ یعنی رحمت امام است و غضب امت او، غضب هر جا بخواهد ظهور کند باید رحمت دستور بدهد. این کدام رحمت است که امام غضب است؟ آن رحمت مطلقه است؛ نه رحمت خاصه.

تقابل رحمت خاصه با غضب

وی با اشاره به اینکه رحمت خاصه در مقابل غضب است، تصریح می‌کند: در بیانات حضرت امیر(ع) هست که جهنم اصلاً جای رحمت نیست «دار لیس فیها رحمة»؛ هیچ رحمتی در جهنم نیست، این در بیانات حضرت است در نهج البلاغه که «قعرها بعید و حرّها شدید و عذابها جدید دار لیس فیها رحمة» این غضب در مقابل رحمت است که اینها مقابل هم‌اند. این رحمت خاصه مظهرش بهشت است آن غضب مظهرش جهنم. خدا رحمت خاصه دارد در مقابل غضب، يك رحمت مطلقه دارد که آن رحمت مطلقه تعیین‌کننده جای رحمت خاص و غضب مخصوص است. آن رحمت مطلقه مقابل ندارد؛ آن است که فرمود: **رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ**؛ چیزی شیء باشد و مشمول رحمت نباشد نیست (آن رحمت مطلقه مقابل ندارد). اگر در قرآن کریم است: **رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ** اگر در دعای کمیل است: «برحمتك التي وسعت كل شيء» آن رحمت مطلقه است.

مهندسی آفرینش بر مبنای رحمت عامه خدای سبحان

این مفسر برجسته قرآن خاطرنشان می‌کند: رحمت خدای سبحان دو قسم است. يك رحمت خاصه که غضب مقابل آن است؛ يك رحمت مطلقه که اصلاً مقابل ندارد. اینکه فرمودند: رحمت خدا سابق است بر غضب؛ یعنی غضب، امت رحمت است؛ کجا جای غضب است کجا جای رحمت است باید آن رحمت مطلقه دستور بدهد. رحمت مطلقه دستور می‌دهد که برای تبهکار باید جهنم باشد؛ این جهنم بودن کیفر برای تبهکاران طبق نقشه آن مهندس است به نام رحمت (آن رحمت مهندسی می‌کند). آن خدایی که رحمت او مطلقه است می‌گوید که اگر جهنم نباشد کیفری برای ظالمین نخواهد بود، آنگاه ظالم و عادل یکسان می‌شوند و این بر خلاف رحمت مطلقه است. ظالم باید به عذاب، انتقام گرفته بشود که انتقام گرفتن از ظالم گرچه برای خود ظالم عذاب است؛ ولی در کل نظام رحمت است. شما وقتی نقشه يك خانه را نگاه می‌کنید می‌بینید این نقشه، نقشه کاملی است، يك مهندس خوبی نقشه کشید، چرا؟ برای اینکه همه لوازم این خانه در این نقشه آمده است؛ هم اتاق مطالعه و پذیرایی آمده است، هم کتابخانه و مخزن در آن روشن است، هم جای خواب دارد و هم دستشویی؛ ولی وقتی انسان کنار کنیف می‌رود آنجا متأدّی است، کنیف در برابر کتابخانه جای بدی است و اما در کل نقشه جای خوبی است.

آیت الله جوادی آملی می‌افزاید: نار در برابر بهشت جای بدی است؛ اما در کل عالم جای خوبی است، برای اینکه اگر نار نباشد

عادل و ظالم یکسان خواهند بود؛ أَمْ تَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ ، سَوَاءٌ مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ . پس نقشه این عالم به دست مهندس رحمت است یعنی رحمت دارد نقشه می‌کشد، اگر عذاب نباشد نقص است، لذا فرمود خدای سبحان اگر غضبی دارد، جایگاه غضب را آن رحمت مطلقه تعیین می‌کند که کجا غضب کند و کجا غضب نکند. مأموران غضب الهی هم مشخص‌اند، در بیانات حضرت امیر(ع) در نهج‌البلاغه هست که فرشته جهنم مسئولان جهنم همین که عصبانی شدند شعله پیدا می‌شود، نظیر مسئولان کوره‌های کارخانه‌ها نیستند که يك مقدار مواد سوخت و سوز از خارج بیاورند و آتش این کارخانه را افزوده کنند، همین که این فرشته غضب کرد شعله بلند می‌شود: کَلَّمَا حَبَتِ زُدَّتَاهُمْ سَعِيرًا ؛ هر وقت این فرشته عصبانی شد «النار حطم بعضها بعضاً» ؛ شعله‌ها روی هم می‌افتند.